



اولین سالگرد قیام مسلحانه ۲۲ بهمن را
به کارگران، زحمتکشان و تمامی خلقهای
ایران تبریک میگوئیم

دوشنبه ۲۲ بهمن ۱۳۵۸ بها ۱۵ ریال

درسهای قیام برای کارگران و زحمتکشان

با نزدیک شدن قیام توده‌ها تمام خلایق خود را بکار
گرفتند و با استفاده از بمب‌های آنتی‌زا علیه پلیس، و با سنگر
بندی در خیابانها خود را برای مبارزه قطعی آماده نمودند
صفحه ۲

حزب توده از مشروطه خواهی تأقیام خلق

سال ۱۳۵۰ - احسان طبری رویزیونیست: هدف مبارزه ما اجرای آن
مقرراتی است که در قانون اساسی مائاکنون پنج شاه
به اجرا و حفظ آن سوگند یاد کرده اند! -
سال ۱۳۵۲ - تنها ۲ ماه قبل از قیام حزب توده از مراعات قانون
اساسی سخن می‌گوید! -
- سازمانی که بگر قیام حتمی است، حزب توده فرصت طلبانه شعار
"مبارزه مسلحانه" را می‌دهد!
صفحه ۱۰

یکسال پس از قیام: مصاحبه با یک کارگر زن

صفحه ۳

سرهنگ مالک با بیسیم به تیمسار فلاحی: مردم خیلی بمانند زحمتکشان
شده‌اند و اگر بخواهیم جلوگیری کنیم، همه آنها کشته میشوند.
تیمسار فلاحی: مقاومت کنید الان هلیکوپتر بکمتک شما میفرستیم!

"سیل" بجای "باران رحمت" در مقابل مردم ایستاد

صفحه ۶

درود بر تمامی شهدایی که در راه و از گونی سلطنت
و محو سلطه امپریالیسم جان خود را فدا کردند



درسهای قیام برای کارگران و زحمتکشان

کارگر دارای نقش قاطعی در سازمان تولید بوده و حضور او در صحنه مبارزاتی به دشمن مردم عموماً و استحکام بیشتری می بخشد.

سلسله مبارزات انقلابی کارگران و توده‌های زحمتکش خود را بیشتر متمرکز ساخته و شکل حادثه‌های بطوریکه می‌دهد. این نبردها بطور خود بخودی گاه شکل مسلحانه نیز می‌گیرد. بنابراین مبارزات فاقدره‌ی واحد انقلابی و منسجم است و از یک تشکیلات سازماندهی مناسب برخوردار نیست ولی علمبرگ این کمیته‌های اساسی مبارزه حاد مردم تضادهای درونی فدا انقلاب را بنحو خیارق - العاده‌ای گسترش داده و آنرا دستخوش تزلزل درونی شدید نمی‌نماید. رژیم شاه را وای دارد تا شیوه‌های قلبی حکومت را بنظر هر تغییر داده و هر چند وقت به

قوای بیشتری برخورداریده و با توسل به مسمیهای آتش به عملیات قهرآمیز و انقلابی علیه مراکز دشمن مانند بانکها، موسسات فرهنگی امپریالیستی گیلانتریها و نیروهای ارتش دست می‌زنند. پس از قیام تبریز خیزشهای مبارزاتی مردم سراسری شده و در تمام ایران گسترش پیدا میکنند و هر چه مبارزه رشد میکند، توده‌ها از خود گذشتگی بیشتری از خود نشان داده و آگاهی و تجربه عملیات خود را ارتقا میدهند. جنبش خلقها رژیم شاه را با مبارزات آمریکا نشین

مبارزات مبارزه‌ی مبارز از شرح مختصری از مبارزات مردم در پیش از قیام به ارزیابی از قیام بهمن ماه می‌پردازیم. ویژگیهای آنرا مورد بررسی قرار می‌دهیم. زیرا بدون تحلیل صحیح از تجربه‌های مثبت و منفی مبارزات گذشته نمی‌توان مبارزه و انقلاب را بنحودرستی به پیش برد و آنرا به سرورزی کامل رساند.

کارگران و مردم زحمتکش ما همیشه علیه رژیم شاه خاش و آریا باش مبارزه میکردند. آریا باش عینی زندگی آنها تیرا به مبارزه و امید داشت. زحمتکش‌گان ما در اسارت و فقر بوده و آزادی محروم بودند و مثنی بر ما به آرزای لوفت و امپریالیستی تجاوزکاران با تکیه بر سربزه، تکنجه و زندان بر آنکسان حکومت میکردند. مردم ما مبارزه میکردند چون تحت استعمار و ستم و حشیا نه قرار داشتند.

مبارزات مردم در دوران اخیر با جنبش خانه سازی در خارج از محدوده در سال ۱۳۵۶ اوج نویستی یافت و وارد اعلای خود گشت. این جنبش کسبه زحمتکشان در آن شرکت داشتند، شکل قهرآمیز داشت و سمت آن متوجه دستگاههای بیگانه دولت شاه بود. دیگر مردم در بافته بودند که ضرورت دارد تا شکل گسترده و توده‌ای وارد میدان مبارزه شده و مبارزات خود را اغای سیاسی بخشد و رژیم حنا بیگانه ربهلوی را در موجهای نبردی آنان خود غرق سازند.

در خارج از محدوده محروم، زحمتکشان طوفان مبارزاتی را برپا کرده بودند و بدینسان آن امواج خروشان جنبش توده‌ها با شعارهای سیاسی مانند: "مرد بر شاه"، "مرد برای حکومت فاشیستی"، "مرد بر آمریکا"

دا منته میگرفت. مردم به این نتیجه رسیده بودند که برای دسترسی به خواستههای انقلابی خود تنها راهات آریا باش و غیر سیاسی بهیچوجه کافی نیست و برای آزادی کامل خود با بدای رژیم وابسته و خونخوار حاکم و خوشن خدا انقلابی او بطور قهرآمیز و انقلابی رفتار کردند. آنان به این نتیجه رسیده بودند که با بد مبارزات بیگیری را بطوریکه منجر به سرنگونی رژیم شاه به مبارزات و ایستادگی.

در همان زمان که لیمیرالهای سازتکار با نامه نوشتن ازشاه آزادی گذاشتی میکردند، دانشجویان انقلابی در آن ۶۶ بلند میشدند و به مبارزات امپریالیستی یعنی بانکها حمله ور شده، بیش از ۷۳ بانک را ویران میکنند و سپس با بر توده‌های مردم که جان آمده بودند اما منته مبارزه را با هم گسترش می‌دهند. در دیماه ۵۶ مردم قهرمان قم بلند میشوند ولی ارتش مزدور شاه آنها را که مسلح نبودند بخون میکنند. پس از آن در بهمن ماه همان سال مردم دلاور سربزیه خونخواهی شهید علیه رژیم پیدا دگر بهلوی و آریا باش قیام کرده و از خود درشا دنیا بخرج می‌دهند. جنبش سربزیه به مبارزات قلبی یک تحول است. زیرا این مبارزه شکل غا لیمیر یعنی خیزش سده جمعی و قیام نگانم پیدا کرده، ارتش و آریا باش

● اوج نویین مبارزات خلق از جنبش خانه سازی در سال ۱۳۵۶ آغاز گشت و در اعلای بعدی خود به حرکت آنان ۶۶ دانشجویان انقلابی، دیماه ۵۶ مردم مبارز قم و بهمن ۵۶ تبریز قهرمان و ... منجر گشت.

● در جریان قیام، توده‌ها عمدتاً شکل خود بخودی به تشکیل کمیته‌های اعصاب و شورا‌های کارخانه، محلات، ادارات و ... دست زدند، و بدین ترتیب نطفه‌های قدرت توده‌ای و انقلابی را بوجود آوردند.

جند وقت دولت و سخت و زبرش را تعویب نماید. در مقابل ضربات کوبنده جنبش مردم و ختم آنها شد - انقلاب به سرگوب متمرکز روی می آورد تا بلکه بتواند جنبش را خاموش کند. در ۱۷ شهریور ۵۷ رژیم به یورش و حشانه‌ای دست زده و هزاران نفر از مردم آزادی خواه خلق ما را قتل عام می‌نماید. رژیم به عست تصور میکرد که با این کشتار میتوانند ترس در صنف انقلاب انداخته و آنرا واداره عقب نشینی نماید. ولی مردم تصمیم خود را برای واژگون نمودن بقیه در صنف ۷

زایه استمال و در مانندی بسیار بیشتر می‌کنند و هر روز تضادهای درونی او را با هم نسبت می‌بخشد. طبقه کارگر ایران که با تطهیل کارخانه‌ها اعتصابات و تظاهرات در مبارزات سال ۵۷ شرکت جسته بود، در ادامه تکاملی حرکت خود در مبارزات را بر رژیم شاه وارد می‌سازد. به این صورت که کارگران صنعت نفت به اعتصاب سیاسی قاطعی دست زده و شیرهای نفت را بروی جهان خواران بسته و رژیم شاه ضربات سیاسی - اقتصادی مهلکی وارد می‌آورد. این مبارزه انقلابی یک بار دیگر نشان داد که طبقه



یکشنبه بیست و دوم بهمن ماه ۱۳۵۷ - تمامی ارتش تهران، با آنچه ساز و برگ سبک و سنگین، در برابر سپاه خروشان رژیم گان، نیاز به کمک داشت. ۵۱ تانک و تریلر ارتش، از گرامشاه حرکت کردند که ارتش تهران را در سرگوب مبارزان راه آزادی مدد رسانند. اما... اما مگر مردم همان گذاشتند. این دلاوران، در یورش منظم و سرسخت، هر ۵۱ تانک و تریلر را از حرکت باز داشتند و نیروی کمکی را تصرف کردند تا خیال جنگجویان مرکز راحت باشد.

قیام ۲۲ بهمن ماه نشان داد که تنها خلق مسلح میتواند سلطنت را واژگون و بر امپریالیسم ضربه وارد کند

یکسال پس از قیام:

مصاحبه بایک کارگر

فوتبرد پس با لایرند. اگر مردها نوبتند خاطر کاری است که میکنند اگر بکند از زندگی هم همان کارها را میکنند آنها هم میتوانستند. تازه خیلی از مردها هم کار را داره ای میکنند این کارها را که همه زنها میتونستند بکنند.

امروز سیاست در کوهچا را راست. زنان و مردان و حتی کودکان همه جا خود را در سیاست سهیم میدانند. این همان سبلی است که لیسرا لهای خاش نظیر بارزگان از آن یاد میکنند. آری تا وقتی سیاست در کوهچا و با راست، خاشین امید چندانی به فردای خود ندارند و زحماتشان نیز در دست بیهنی خاطر نیست به سر وقت فرزندان خود اظها را بگریانی میکنند. چرا که شقاوت‌های بسیاری از ارتجاع دیده‌اند. محاهد شهید "عباس عمادی" یکی از آخرین سوهه‌های فداوت ارتجاع است.

س: در محافل سیاسی شرکت دارند ؟

ج: - تا می‌توانیم به آنها بحث میکنم. در بعضی میتنگ-ها هم شرکت میکنم. بچه‌های من یکا رسا سیی خیلی علاقه دارند. میدانم هم‌ها لایرند که روزی - روزی رو بروی می‌گردند. ولی دلم میخواهد کسی هر کاری میکند بکند از دیدن بچه‌هایم بگریانم تا برایشان در دسترس کند.

س: - منمیری از زندگی خود را برایمان بگوئید. صفات زندگی زحماتشان با روح و فخر و استقامت و ستم‌رزمی بوده است. آنها ستم را با طبعی از در نیامی اساع دودخس میکنند و بیسبب لحاظ نیست بدان عمیقاً کینه‌دارند. این کینه بیسبب است و دوران- ساز و آنگاه که انباشته و جمع شود منجر میگردد و

سمای جا معه طبقاتی و سرما به داری آنهم در کسوری نظیر کشور ما بسیار زشت و کزیه است. سرما به- داران مانند الوکا رگران را استثمار می کنند، و وقتی به آنها نیازند اشتداد کارها نه مومسه خود بیرون می کنند. به پای سخن یک کارگر زن کسه دوست دار دیگر افتند اما نه با حاصل رنج خویش زندگی کند، ولی کار نیست، می نشینم ؟

س: - دلنای می خواهد کار کنید ؟
ج: - خیلی زیاد. دلم میخواهد خودم روی پای خودم با بستم تا آینده ام را خودم انتخاب کنم، ولی بجا طریقه‌ها هم بر اینم مقدور نیست، آدمی که در کج خانه میماند مثل اینست که در نفس است. دلم میخواهد خودم صاحب زندگی خودم باشم نه اینکه منم بگویند حق کارکردن را ندارند.

س: - راجع به مسائل سیاسی چه فکر میکنید؟ آیا در انتخابات شرکت کرده‌اید ؟
ج: - در انتخابات جمهوری اسلامی و مجلس خبرگان شرکت کردم ولی در قانون اساسی و ریشو جمهوری نه. در مجلس خبرگان میخواستم کاندیدی را انتخاب کنم که بیژان اعتماد دارم تا قانون مملکتمان را بنویسند ولی در ریشو جمهوری حقیقتش هیچکدام را آنقدر نمی شناسم تا بتوانم کسه بیژان اعتماد کنم.

و رهبران می گویند که مردم برای "اسلام" مبارزه کردند. نه برای رفاه و آزادی (که از نظر آنها معنای دیگری دارد). اما زحماتشان استدلالشان بسیاری انتظارات بسیار زیاد است. در هر جایی که آنها نشانی استمنا می‌نویسند، در هر کونهای که بوده‌ها تحت ستم قرار دارند. یعنی در همه جا، هر روز و ساعت تا هادین هستیم که مردم ستم دیده می گویند: ما انقلاب کردیم که جا کم بر سر وقت خودمان ستم، ما انقلاب کردیم تا دیگر ستم را زور نگویند، ما انقلاب کردیم که دیگر کسی بر ستمانه و بی ستمی ستم، ما انقلاب کردیم که آزادی مستقل باشیم... از این بیرون کارگر ستم را میبریم.

س: - فکر می‌کنید مردم چرا انقلاب کردند ؟
ج: - انقلاب کردیم تا آزادی داشته باشیم، تا زندگیمان راحت‌تر و سوزنی درد ستر باشد. یعنی خواستیم تا در این بیرون کسب ما دیگر استغنیار نشویم.

زنان در جا معه با بطور ممانعت و دوکانه ای تحت ستم قرار دارند. در کارخانه، در روستا، در اداره و خلاصه در همه جا از بعنوان یک موجود درجه دوم تلقی میشود. سرما به داری اما نشانی توانند حق برابری زن و مرد را حل کنند. چرا که هدف اول استثمار نیروی کار زن - بنا بر این اینستما هر چه بیشتر ستم، پرداخت مزد هر چه کمتر بهتر - و با استغاده‌های منخط سلسله‌ای از وجود او نیست. و این را یک کارگورن پیش از همه در جا معه می‌نماید. بنگال پس از تمام قانون اساسی خبرگان تا تکیه بر کینه‌ترین و سوسیده‌ترین بچه‌ها و نظرات حقوق زنان را آنکارا نفس کرده است.

س: - شما آزاده‌ای زن را چگونه می‌بینید ؟
ج: - زنان تا بدین مردان بر این ستمندولی در جا معه ما اینطور نیست. دلم میخواهد دخترها در جا معه ما مثل پسرها باشند و اما به آنها بگویند ستم دختر است کار را نکن. می‌گویند مردها از زنان

جا معه سرما به داری را از بیرون ستم میکنند و جا معه سوسیا - لیستی را بیامی سازد !
ج: - سی و سه سال است. در رشت بدینا آدم و دوران بجگی راهم در آنجا گذراندم وقتی سیزده ساله بودم ازدواج کردم. البته ازدواج ما میل و رضای خودم نبود. با بدیکوم مرا شوهر دادند. سالهای اول ازدواج سخت‌ترین سالهای زندگی من بود. با فامیل شوهرم در یک خانه زندگی میکردیم. اصلاً اختیار زندگیمان بدست خودمان نبود. با ۵،۶ نفر دیگر در یک اتاق زندگی می-کردیم و می با بست با هم می‌سازیم. هر حرفی مادر شوهر می زد با دماغت میکردم. از صبح تا شب خان نمیکندم و کار می کردم و حق کوچکتر ستم - اعتراضی هم نداشتم. بسکه کار می کردم کسرتگی و ستمی و سرما و تکرما بلا حالمان نبود. اگر هم در ستم باغات ما را روزی مگر ستم میشدیم - حق برداشتن بکسانی را هم نداشتم.

شوهرم در کارخانه آرزوهای کار نمیکرد. بعد از مدتی سگارشند. قبلاً برای پیدا کردن کار ستم شهرها را ز سر پا گذاشته بود حتی سه شیراز هم رفت ولی بی نتیجه برگشت تا اینکه بالاخره در شیراز ما کین شدیم.

دو سال بعد از مدتی شوهرم سگارشند. وضعمان خیلی بدتر شد. در شیراز مسافر بودیم. در این دوره سگاری بچه‌ها را هم ندیده بودیم و کار ستم هزار بار راحت تر شده بود. نه تنها لسان بلکه حتی تان ستم نداشتم. غذای ما که مان و بنا زبون از رشت کاهی برایشان مرغ و سینه انگور می - آوردند. غذای ستم و روزی بچه‌ها هم ستم و سوسید هیچ وسیله زندگی نداشتم. حرکت ریل و جسد ستم بچه‌ها کزیه میکردند لسان و میوه و کردن و مسائل دیگری خواستند و ما هیچ حسرتی نداشتم که به آنها ستم دهیم. حتی بول اچاره خانه

تهران با خون و حماسه فتح شد



داعوی پزشکی قانونی تهران، سف طولانی شهیدان را در خود جای داده است. آنها برخاک افتاده‌اند و خون عزیز خود را و بقیه آزادی دیگران کردند. شهید شدند تا آزاد شویم. نامشان و یادشان گرامی باد.

درود بر تمامی شهدای راه آزادی و استقلال میهن

مروری بر زمینه‌های اقتصادی - سیاسی قیام بهمن (۲)

هیئت حاکمه و ادا مددبکنا توری و خفقان بشیوه گذشته، حیات رژیم‌ها سابق را بنحو بازی مسورد محاطه قرار میداد. رژیم حاکمه برای فرار از این بحران و نجات از جنگال قهرانقلابی توده‌ها بسه توصیه‌ها اربابان جدید در کاخ شیدو جناح به اصطلاح لیسرال هیئت حاکمه گوشیدند تا بنا بدبا برخی عقب - نشینی های جزئی و ایجاد فضای به اصطلاح بازار سیاسی و اعطای آزادیهای محدود، جیره کربیه وضد مردمی خود را آرایش دهد و به این ترتیب زمینه را برای نجات حکومت خود و اربابان امیراللیستش

تند بحرانها بروکش نما بدور شد تا رضایتی ها و مبارزات توده‌ها متوقف گردد. جناح دوم (عبر - سلط) هیئت حاکمه که عمدتاً نمایندگان سرمایه - داران بزرگ بخش خصوصی را شامل می شدند و خود خواهان قدرت گرفتن بیشتر بودند (جناح انصار و خسروناهی) تا آنکه سبزتری نسبت به جناح ششاه داشتند و خواص متا و فاع را زودتر احساس کردند. این دارودسته شروع بدیکسری مخالفیهای سیاسی در جناح شاه نمودند. در همان دوره یعنی در نیمه دوم سال ۵۵، باندا نحصار کرج حاکم بر ایالات متحده آمریکا

در سیستم سرمایه داری وابسته، این مرتجع - ترین وفا بدترین لشرهای جامعه هستند که حکومت میکنند، آنها هیچگونه نیایدای در میان مردم ندارند و از اینرو چاره‌ای جز توسل به خشونت با ترسین نوع دیکنا توری وزیر پیدا کردن سیداشی ترسین موازیس دموکراسی بورژواشی نمی‌باشند. درستتر جنسیس دیکنا توری است که امیراللیستهای می توانند سفارت ترونیهای ملی و تحمیل برایشان می‌چود موفق شوند. چون در غیر این صورت، اقتصاد وسیع مردم الحسنان به مهارزه و مخالفت با برنامهای امیراللیستی برید می‌خیزند که نظام مستقیم و تحکیم درونی خود را بکلی از دست می‌دهد. اولاً یکی از نتایجهای بارز سیستم سرمایه داری وابسته تا جوامع سرمایه داری آزاد در روستای سیاسی آن است. "دموکراسی" بمعنومشهور -

- مبارزات مردم خارج از محدوده که با شهامتی وصف ناپذیر برنامه های خائنانه وضد مردمی رژیم را در زمینه مسکن نقش برآب کرد، در تابستان ۵۶ و اوچگیری جنین دانشجویی دریا تیز ۶۵ خبر از توفان عظیم انقلاب درآینده ای نزدیک میداد که قیام خونین قم و تبریز سرآغاز زبرشکوه آن بود.
- جنبش توده ها آنچنان عظیم و پیرتوان بود که دیگر جانشی برای بند و بستها و بند اربابیهای بورژوا - لیبرالها یعنی برحفظ رژیم پوسیده و سلطنتی باقی نگذاشت و توفنده و پیرتوان تا نابودی رژیم سلطنتی شاه، مزدور و وارد آوردن ضرباتی جدی بر پیکر امیراللیسم و سیستم سرمایه داری وابسته بپین رفت.

فراهم نماید. اما هر عقب نشینی رژیم‌های آنکس بحران را فرو نماند خود وسیله ای میشود برای اوج گیری ترسین و وسیع تر مبارزه . در اوایل سال ۵۶ بحران ممکن بعنوان یکی از حلقه‌های اساسی سلسله زنجیر بحران اقتصادی رژیم سابق بندت بسبب بقای دولت هویدا را تحت فشار قرار داد. این بحران در بسا مدخود مسازرات مردم خارج از محدوده را که با شهامتی وصف ناپذیر برنامه‌های خائنانه وضد مردمی دشمن را در زمینه مسکن نقش برآب کردند، به همراه داشت. شکستی مفتضمانه بر رژیم وارد آمده بود. تشتت دروسی رژیم بنفیه در صفحه ۱۱

یعنی 'جمهوری خواهان'، دلیل و رنگتکی سیاسی در عرصه جهانی و بویژه روستای تاریخی اش در جنگ وینا موسر سیب اوطاع با سازمان انتمسادی آمریکا از هر سوموردا غیرا جنین رگرفنده و در انتخابات آن سال با نکتت روسوز و چرخه جناح "موکراتها" برکسری قدرت تکمیل کردند. جناح "موکراتها" بلافاصله پس از روی کار آمدن مردوران وینا بنیادگسسان آمریکا را در کشورهای تحت سلطه واران جمله رژیم شاه خاشن را، در جهت برنامهموسساتیهای خود فرا - خواندند. بخصوص که وضع اقتصادیا رکوده ایران در آثرمان دچار بحران کشیده و با استروا و انفرادی بدسیاسی و محدودیت بانکا داجتماعی

زواشی آن هرگز نمی توانند پور در امدت در جوامع سرمایه داری وابسته بیا نگیرد. اگر در نظام سرمایه داری آزاد این "دموکراسی" خود جاملی میشود برای رسد اولسه سرمایه داری، در نظام سرمایه داری از آنجا که این امیراللیسم است که عمدتاً رند سرمایه داری را در زمینه‌های مورد نظر خویش فرا هم می‌آورد، بسا جنسیس دموکراسی روبرو نیستیم، زیرا هر نوع آزادی و لیبراللیسم، ادا مه لطفه امیراللیسم و حیات نسیم سرمایه داری وابسته را که نهادهای آن عمدتاً تحمیلی و خارج از سازهای درونی جامعه است، تهدید می نماید. (۱۱)

تصادفی نیست که بدینال کودنای ۲۸ مرداد و حاکمیت بسجون و جرای آمریکا بر مقدرات کشور ما، دیکنا توری خون آتا مانا بعنوان دیکنا توری طبقات فئودالها و سرمایه داران وابسته به امیراللیسم بر مردم ما تحمیل کردید. رژیم‌ها سابق حتی اعتراضات محدود و مسالمت جویانه، جاسجهای مخالف درون هیئت حاکمه را سرنواست تحمل کند و ایجاد حزب رسنا خیز در اسفند ماه ۵۳، نمودار دیکنا توری تمام عیار روسی سابقه این رژیم در سطح جهان بود. بدین ترتیب در دوران سیاه سلطنت تا دکترین نای آزاد بخواهی سرععت برکوت میشد، اما این وضعیت ناکی می توانست دوام داشته باشد؟ مثلی است معروف که میگوید: "قواره چون بلمد شود سرگون شود." فشار اقتصاد و اختناق جدی رسیده بود که دیگر هیچ چیز نمی توانست مانع از فرار رسدن نولسان عظیم انقلاب گردد. رشدنا رتا بنیها و بندت بحران های اقتصادی و سیاسی در سال ۵۵ باعث شد که در بسین جاسجهای هیئت حاکمه اختلاف سلسله‌ها بروز کند. این اختلافات بر سر این بود که به چه شیوه‌ای باید بسه استعمار مردم و غارت مانع طبیعی ادا مه داد کند



خلق فریاد میزد: "رهبران ما را مسلح کنید!" اما رهبران اینرا نمی خواستند! از اینرو خلق خود ابتکار عمل را بدست گرفت و بدینسان قیام مسلحانه ۲۲ بهمن آفریده شد!

(۱۱) - البته این بدان معنا نیست که در تمام عرصه سرمایه داری وابسته مطلقاً نمی توانند دموکراسی بورژواشی بیا نگیرند، لیکن بحث بر سر اینست که این جنسیس دموکراسی در سیستم سرمایه داری وابسته نمی تواند با برجا و در امدت باشد.

”سیل“ بجای ”باران رحمت“!

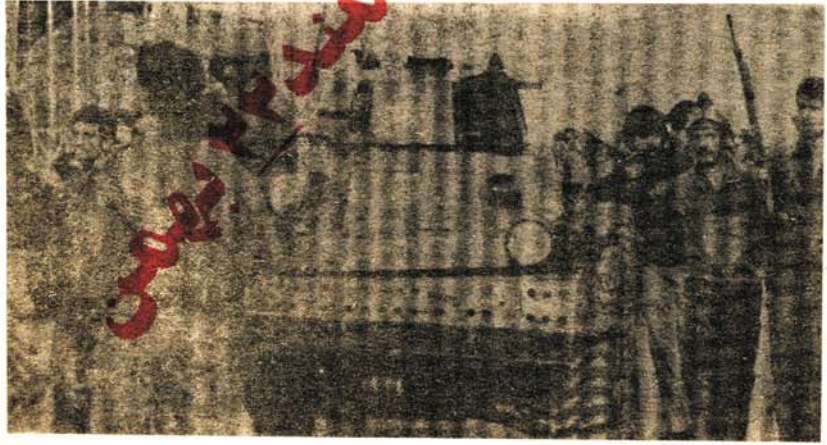
از آنجا که کشور ما سرما به داری وابسته است ، چندبرابر شدن درآمد صادراتی کشور از نفت در سال ۵۳ تا بیرقابطنی در درخبران اقتصادی داشت . در سال ۵۳ درآمد های نفتی نسبت به سال قبل تقریباً ۴ برابر (۳/۹) شد و درآمد دولت ۲۰۰ درصد افزایش داشت . بیست و هفت سال مهیازان رژیم شاهن پهلوی تغییرات اساسی در سیاستها و اقتصاد و بودجه پیش - بینی شده قبلی را دور سر بر کرد و در ۲۴۶۱ میلیارد ریال به ۲۷۰۰ میلیارد ریال رسانید . جاری شدن بول نفت در اقتصاد کشور تا شریک سازی با نفتی بودگی کل بورژوازی ایران داشت . دولت است که عمده درآمد نفت تحت بورژوازی وابسته و بخش خصوصی و بوروکراتیک (می رفت ، معاهدات و امنیت شان می دهد که بورژوازی لیبرال سرمایه داران را با حفظ ای از این ثروت با آورده بود ، رشد فانی رسته های غیر مولد و سود آوری چون بورس بازی زمین و ساختمان سازی ، گره عمده ترین آنها در اختیار سرما به داران وابسته قرار داشت و منبع بر سودی برای این قشر وابسته شما می رفت ، باعث گردید که بخشی میهمی از بورژوازی متوسط ایران نیز به این رسته غیر تولیدی رو آورده و ثروت اسوهی از این راه چنگ آورد ، و امنیت هاشان میده که در عرصه سال گذشته کمتر سرما به دار لیبرالیستی مشاهده شده که از حرکت سیستم مده دیده و ورشکست شده اند ، از این سال نیز که نگذردیم ، اساساً بورژوازی لیبرال از لحاظ اقتصادی موجودیت و رشد خود را در گرو وجود سیستم سرما به داری وابسته می بیند و طبیعی است که کامی و حافظ سرخات این نظام بسویده که با جنگل خود توده های وسیع خلق را (به طور عمده کارگران و دهقانان) می فرود آید .

با این توصیف از موقعیت اقتصادی لیبرال بورژوازی ایران ۵۳ بخوبی می توان به موقعیت سیاسی این قشر بورژوازی ایران پی بسورد . مخالفت انسان با دیکتاتوری شاه از موضع فدا نقلابی و با نظر مزدوری مستقیم امیرالیم از جانب انسان بوده و چیزی دیگر ، کوشش لیبرالها در حفظ سلطنت شاه که حتی پس از مذاکرات به جان سپاره کارکنان ، سنجایی و خمینی منجر به عقب نشینی انسان و اعلام ”غیرقانونی“ بودن سلطنت شاه گردیده همچنان ادامه یافت : ” در - باره شاه سابق با بدیکوم که منافقانه او هیچوقت ما هینتن تعبیر نکرد ... این آدم حتی در آخرین روزهای که من او را ملاقات کردم پیشنها کرد که وضع مملکت در خطر است ... گفتیم شما اعلام کرده که انقلاب ایران را برسمیت شناختید (آری لیبرالها بدیرفته بودند که شاه انقلاب ایران را برسمیت شناخته است!) ... من به او گفتم! علیحضرت با بداز ایران خارج شود و اموال سلطنتی زیر نظر شورای با شرکت روحانیت رسیدگی شود ، برای شورای سلطنتی با بداعتی به نظرات اللہ خمینی تکبیل شود ... او همه این پیشنها دات را رد کرد“ (مصاحبه مطبوعاتی سنجایی ، اطلاعات ۵۸/۳/۹) (ناگفته از ما است .) همانطور که ملاحظه می شود حتی تا آخرین

لحظه مرگ سلطنت ، بورژوازی لیبرال تمام تلاش خود را بکار برد تا آن را حفظ کند و در حکومت پهلوی به ”حکومت اسلامی“ هر چه بیدردن و آرام تر صورت گیرد . ” روزی که نما سندگان دولت بخانه ما آمده بودند به آنجا گفتم که شاه خدا بداند سر غلط از یکسوی سلطنت و تعدی سازمان های دولتی و همچنین با اعمال کردن حقوق ملت از سوی دیگر ، مملکت را در برنگاه قرار داده است . بطوریکه ما ده هر کوسه اشجار است و اگر هر چه زود تر نیست به انجا مخواستهای قانونی و شرعی مردم اقدامات موشری صورت تکبیرد با بد منتظر عواقب خطرناک آن باشیم“ (مصاحبه با آیت الله شریعتی ، کیهان ۸ آبان ۵۷) . اما عواقب خطرناک ار جابت آیت الله شریعتی مداری چه بود؟ روشن است تا بودی سلطنت ، تا بودی سلطنت امیرالیم (مراجعه شود به اسناد مربوطه) رند تحریکان های توده ای و موقعیت انقلابی بورژوازی ما ههای آخر سلطنت منصور پهلوی ، وحشت بورژوازی لیبرال را از اقدامات فاطمیه توده ها صدجدا ن نگردد لیبرالهای ریون همه جا به دست و با اقتدار توده ها که جلوه حرکت انقلابی توده ها را بکسرد ، را سنجایی آرا موزنا سوا اوج زبونی را می رساند ، جنبه ملی ما مینارزه مسلحانه مخالف است و می خواهد با و با بل خاتونی رژیم را وادار به تسلیم کند . ” (مصاحبه با امیرالیم سنجایی ، کیهان ۱۰ بهمن ۵۷) . اگر حکومت تغییر کند ما وضعیت جدیدی خواهیم داشت ، سوراخ به همه مطالست می توان مذاکره کرد“ . (مصاحبه با سنجایی با روزنامه سوسالیمستی لومنت ، کیهان ۱۰ آبان ۵۷) مذاکرات چهار رکتور امیرالیمستی از روشنی و آمریکا ش در گوا دولوب که منجر به قبول طرح خرج سال ” و کسارکدا نشن شاه گردید شرایط را برای انجام سازش تاریخی و خسانکارا به بین بورژوازی لیبرال و امیرالیم آمریکا فراهم آورد ، سرخورد خصمانه با این خاتمن به قیام مسلحانه توهیما تا توده ها را و

کینه توزی انسان را با قهر مسلحانه توده ها نشان میده و نشان میدهد که جقدر این از افتادن اسلحه بدست قدرتمند توده ها هراس را رند ” اگر انقلاب ایران مثل انقلابهای گذشته دنیا با یک حمله نظامی و با یک کودتا صورت می گرفت ... البته برای خود ش مشکلاتی دارد ولی از یک جهت خیلی راحت است ، یک فرد با یک عده صاحب قدرت و صاحب نیروی نظامی می - آید و مابعد دشمن را از ارباب و تلو بیوزیون گرفته تا یادگان با واسطه ها و دربار همگی را می کسرد و بعد مستقر می شود و هم نظامی هم که در نظر داشته و برای آن اس عمل را کرده ، آن نظام را برقرار می - کند و چون صاحب قدرت است و ثروت و امکانات دارد مرحله ما رندگی را آنطور که دلش می خواهد آسرا سه انجام می رساند . ” (بسام تلویزیونی با زرگان ، کیهان ۵۸/۲/۵) است مفهوم ما مبرک توده ها از دیدگاه بورژوازی لیبرال ضد خلق . ” تسلیم با دگان سیاسی نظامی در روزهای بیرونی انقلاب و بخش شدن اسلحه در بین مردم ... تا شد کنند به این نظر بوده که امیر - با لیم در جده است که انقلاب را با صدا نقلاب سرکوب کند . ” (نقل از اعلامیه جنبه ملی ایران - تشکیلات خورسان ، کیهان ۱۷ خرداد ۵۸) . بدین ترتیب از نظر جنبه ملی بخش اسلحه در میان مردم سقوط یاد - کاشیا توطئه ای بوده که توسط امیرالیم انجام گردید ، دیگر واضح تر از این نمی توان مسازره تهرما تا توده ها را خنثی کرد .

گذشت یکسال از قیام مبرک توده ها به نحر سبات مشخصی را برای خلقهای تهرمان ایران بهمراه داشت . در این مدت بورژوازی لیبرال ضد خلقی با همدستی خرده بورژوازی مرفه سنی ارستی را که بهمت مبارزات توده ها در هم تگسند شده بود ، دوباره تجدید سازمان کرده و آنرا علیه انقلاب ایران بکار انداخت ، دستکاههای عریض و طویل دولتی را که بکلی از بین رفتند بود ، محدوداً کار انداختند ، روابط خود را با امیرالیم آمریکا استحکام بخشیدند و با انجا مدها و صدها عمل ضد خلقی دیگر ، سرک تازه ای از کندیکی بورژوازی در عرصه امیرالیم نشان دادند .



● جوانان مسلح زره پوشی را صادره کرده اند : برای چنین روزی خلق ما چه خونپاک نداده است!

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

شهادت صبحه ۲ - در سبای قیام ...

حکومت پهلوی و قطع نفوذ امپریالیسم گرفته بودند آن برای بدست آوردن آزادی واقعی و استقلال کامل مملکت بلند شده بودند و بنا بر این علیرغم دادن سبدهای بسیار نمیتوانستند از انقلاب دست بکشند. حال آنکه برعکس خون شهدا درخت تناسل و انقلاب را آبیاری می نمود.

پیشروی انقلاب امپریالیستها را و می دارند با اختیار داشتن راهبرگان آورده و نا حسانی را از ایران خارج سازند تا مگر حاکمیت ناکت شود ولی مردم قریب ازند: "بغداد شام نوبت آمریکا است" انقلاب به صفوف با شین ارتش (هما قران، سرپازان، افسران و...) از رخنه کرده و در آن تکلیف ایجا نمیکند، صورتی که از یک طرف اختلافات و تناقضات بخشهای مختلف ارتش را تشدید کرده و تکراری امپریالیستها را دامن می زند و از طرف دیگر ترس و وحشت نسبت به ارتش و تمایل نسبت به انقلاب را در میان رده های با شین افزایش میدهد.

توده ها در شرایط عقب ماندگی سازماندهی انقلابی و کمونیستی در تدارک، مسیح، سازماندهی و تسلیح مردم برای قیام، عمدتاً شکل خود بخودی بدرستی از یکسویه تشکیل کمیته های انحصار و شوراهای کارخانه محلات، ادارات دست زده و بدین ترتیب طبقه های قدرت توده های انقلابی خود را بوجود می آورند و از سوی دیگر با نزدیکی قیام در حد توان خود با کار انداختن تمام خلافت خویش به ساختن و استعمال بمبهای آنتزاد در درگیریهای خود با پلیس و درگام بعدی به مسلح شدن و ساختن سازمانها و دستگیرتدیهای خیابان می بردارند. آنان در روزهای زنده و انقلاب سرعت خود را ارتقا میدادند. آنان بلاوقفه تجربه می اندوختند و اندوخته ها را از رخنه به بخش دیگر انتقال میدادند و سرانجام از روحیه انقلابی و فداکاری آماده جان نثاری در راه آزادی بودند.

توده های خلقی ناشوری انقلابی قریباً دسرزدند: "زهی مان ما را مسلح کنید"

سرانجام از تحقیر مردم سرود قیام می خواندند، ولیسی رهبری تا یکسره خورده و روزواری تا آخرین لحظه قیام از دستور قیام مسلحانه احتیاط نمود. خرده بوروازی عدم قاطعیت خود را تحت این عنوان که "هنوز مرفع جها د نرسیده است" می یوانند و از جانب دیگر سرانقلابیون از همین بیولنا را و توده ها عقب مانده بودند.

بالاخره آتش قیام در ۲۱ و ۲۲ بهمن سرعت و حدت پذیرا لاکرقت، توده ها تهرمانا نه به مراکز ارتجاع حمله کرده و سایر راهای اسلحه ارتش و پلیس را تخلیه کرده و ضربات سنگینی بر مواضع دشمن وارد نمودند. آنان درسی آن بودند تا مرنه قطعی و نهائی را بر دشمن وارد سازند ولی علیرغم تمام جان نثاری ها و رشادتها علیرغم هزاران هزار شهید با اینکه قیام خوشن بوده با همه بیرونیهای بی رنگی نظیر واکوئی سلطنت و ضربت دیدن امپریالیسم دستبست با نیت ولی منجر به پیروزی قطعی زحمتکشان نگردد. چرا قیام بوده تا به پیروزی قطعی نرسد؟! سن سؤال اساسی ای میسازد که با همه مورد تحلیل قرار

کبرد، بررسی در سبای قیام بهمن جواب این پرسش را برای ما روشن میکند ولی این در سبها کدا مند؟

انقلاب مائین دولتی با دستکاه حکومتی را خرد و نا بود نکرد. اکبریا دمان با اندوخته که مردم مسلح به یادگانهای ارتش حمله کردند و قیام در گرفت، بلافاصله سران ارتش اعلام وفاداری نسبت به "انقلاب اسلامی" کردند. ولی این کار یک فریب جدید بود. این کار تا کنک امپریالیستها و سران سرسپرده ارتش آمریکا ش بود. زیرا با توجه به ناقصات و بحران درونی ارتش و جنبه تاریخی آن و نیز آتش خشم توده های عمیان زده، اگر جنگ ادا میدادی - کرد و ادا میداد در سران ایران کسری می با ناست این جنگ خوین و مقدس در برابر زودا امپریالیستها و

با نزدیک شدن قیام توده ها تمام خلافت خود را بیکار گرفتند و با استفاده از سبهای آتش زاعلیه پلیس، با سنگینندی در خیابانها، خود را برای مبارزه قطعی آماده نمودند.

بویکران سومین راه به یکباره نا بود میساخت. اما به حکم منجر به برآمدن رهبری قاطع و انقلابی گردیده و منجر به منلانی شدن کامل ارتش میشد. آنها عقب نشینی کردند تا ارتش را از زیر ضربات سنگین خلق مسلح رها کرده و با یکا خود را حفظ کنند. انقلاب در قیام دستکاهای سرکوب مانند ارتش پلیس، زاهدان، مری، ساواک و... که در خدمت سوما به داران و امپریالیستها بودند چه با بد میگرد؟ انقلاب میساخت تمام این دستکاهای حور و ستم را خرد و نا بودا خسته و زبون خلقی خود را خائنین توای ضد انقلاب مساخت. ما شین دولتی که یک عمر در خدمت

استثمارگران و استثمارگران بوده، بنا که ان در عیرض جنرورنمیتوانست طرفدار انقلاب و مردم گردد. این دستکاهها ما هتتا ارتجاعی بوده و نمیتوانستند درست شوند. بنحوی که بیس ارقام تا به امروز نا هتد آن هستیم که چگونه همان ارتش نا هتتا هی تحت عنوان ارتش جمهوری اسلامی بیوسه سرکوب خلق ترکمن، خلق دلاور کرد و... مشغول است و مطمئن با شیم همین ارتش و با بر فوای سرکوب جمهوری اسلامی فداکاه موجهای سنگین انقلاب بلند شد با زهم کشتار وسیع خواهد نمود. بنا بر این انقلاب میساخت ما شین دولتی را خرد میگرد و اجازه میداد تا این اسوار سرکوب بسنوان نکه کاه ارتجاع، باقی مانده جوهر اصلی انقلاب است که همین ما شین دولتی سرکوبگر را فاطعا به درهم شکند و ارتش و موسساتی را بوجود آورد که واقعاً در خدمت خلق باشد.

قیام به پیروزی نهائی نرسد زیرا قیام فاقد رهبری طبقه کارگر بود. قیام فاقد سبها دفرماندهی طبقه کارگر با نبود. حزب طبقه کارگر این قدرت را داشت تا با حفظ استقلال سیاسی - تنکلاتسی بیولنا را، با هتدایت در آوردن تمام خلق بیکل قاطع مبارزه را تا نا بودی کامل دشمن به پیش برد. چرا که حزب مستحکم طبقه کارگر، حزب طبقه های است که بدینکترین مبارز راه استقلال و آزادی است.

دروغ هر کدام از افسار و طبقات نا آخاکه مافع طبقاتیمان اجازه میداد در حین ترکست میکردند. دندیم که سرما به داران لیسرال که اهل ساز با عدا انقلاب بودند در همان حین قیام در پشت پرده در حال کفتن کجوت سازش با قیام ندهان ارتش و آمریکا بودند افرادی ما نند میساخت سازگان که از



افراد هوایی، در لحظاتی که در گیری اوج گرفت، علاوه بر آنکه خود با «گاردیها» درگیر شدند، با شکستن اسلحه خانه، تعدادی اسلحه نیز در اختیار مردم گذاشتند عکس گروهی از مردم را نشان میدهد.

قیام بطور عمدتاً با خون و فداکاری زحمتکشان به پیروزی رسید، اما لیبوالهی سلطنت طلب و فرصت طلبان از راه رسیده بودند حاصل آنرا

انقلاب بیشتر میترسد تا از ارتجاع، برای اینکه جلوی انقلاب را بگیرد و خود را شریک در قدرت نماید در همان زمان قیام به بازش و خیانتهای نسبت به انقلاب دست زده بود.

دیدیم که رهبری خرده بورژوازی با تزلزل طبقاتی خود فزاینده تغییرات را خورد و خود در زمانیکه مردم سلطه طلب میگردیدند با دشمن راقا طمانه درهم کوبید میگفت: "وقت جهاد رسیده است" و میترسید اگر جنبش با رهم بالا بگیرد، دیگر نتواند آنرا زیر نفوذ خود قرار دهد.

دیدیم که طبقه کارگر در تمام مراحل جنبش با پیگیری تمام در جنبش شرکت کرده و پیوسته در راه انقلاب ایران داد و دلی از آنجا که به آن طبقه طبقاتی خود صلح نمود آنجا که متشکل نبود و جنبش طبقاتی خود را نداشت، نتوانست رهبری جنبش را در دست بگیرد و نهایت دمکراتیک - فدا میریالیستی خلق را به پیروی کامل برساند. فقط طبقه کارگر بود که میتوانست انقلاب را رهبری کند، فقط طبقه کارگر بود که میتوانست و اعتماد بدون هیچ تزلزل و هیچ سازشکاری با واحد بخشنده دهدهقانان و سایر اقلیت تحت ستم انقلاب را تا به آخر بچلوراند، ولی عدم وجود حزب طبقه کارگر یعنی حزب کمونیست به طبقه کارگر امکان آنرا نداد تا جنبش را زیر رهبری خود در آورده و بنا بر این انقلاب در نیمه راه متوقف گردید. کارگران و سایر رزمندگان برای کسب ثمرات سیاسی یعنی بدست گرفتن حکومت به انقلاب دست زدند، ولی فداان رهبری بیکسری جنبش منجر بدان شد تا قدرت سیاسی در دست دیگران قرار گیرد. در حال حاضر ترکیب هیئت حاکمه عبارت از عناصر سرمایه داران داری و افسد و جاسوسان آمریکایی، سرمایه داران لیبرال و خرده بورژوازی مره میسند. انسان که قدرت را بدست گرفتند بنا بر مذهب طبقاتی خود نمی توانستند آزادی و استقلال ایران را ناسن کنند و به خواسته های رزمندگان و حقوق خلقهای ایران - باج انقلابی کوبید. هیئت حاکمه کمونیستی - جمهوری اسلامی را می گردانند پس از کمال، نه همه هزاران قرارداد سیاسی، نظامی، اقتصادی و سرمایه ایستی را لغو نمود، نه اساسی کلیه جاسوسان و سایر اکیبها را منتزاع و آنان را محارفات نمود، نه به کارگران بیکار کار داد، نه به دهقان زمین داد، نه بحران و گرانای سرمایه آور را توانست از بسین ببرد، نه ۴۰ ساعت کار در هفته را برای کارگران ناسن کرد، نه آزادیهای دمکراتیک را آنجسبان فراهم نمود و نه جماعتی و سرکوب را از بسای سروده ها، نیروهای انقلابی و کمونیستی و خلقها به کسارت کدالت هیئت حاکمه فاسون اساسی ارتجاعی خود را با دوز و کلک تعویب نمود، قانوسیکه در آن نه از حقوق خلقها سخن میگوید، نه از حقوق کارگران حرف میزند، نه از معادله انقلابی زمین سخن میگوید و نه از ملیتسسی کردن منابع و معادله تمامی سرمایه های وابسته و امپریالیستی.

امروز کارگران بس از کمال سعادتمند و وقتی در خیابانهای اعتراضی نظا هراتی برپا میکنند باز هم میگویند: "گام برای کارگر، زمین برای سرورگر"

و وقتی کدآنان از زندگی سخت و طاقت فرسا بحران آمده اند و خشم خود را نسبت به جمهوری اسلامی نشان می دهند میگویند: "زن و بچه گرسنه صبرش نمیشه دولت سرمایه دار حرفش نمیشه" و باز کارگران در کنار سایر نیروهای ستمکش جا معه ما فریاد میزنند و خواهند زد: "ارتجاع، ارتجاع هنوز به روی کاره، انقلاب انقلاب هنوز ادامه داره".

وظیفه طبقه کارگر در شرایط کنونی چیست؟

در شرایطی که جنبش دمکراتیک - فدا میریالیستی خلق به دوام خود ادامه میدهد، و سرودناتنا ابعاد گسترده تری بگیرد و در حالیکه تمامی باندهای مرتجع نظیر سنیاران شاهنشاهی، بورژوا لیبرالیهای خائن خوانین محلی و روحانیون مرتجع و وابسته و... تلاش میکنند خود را برای سرکوب خلق سازمان دهند و در شرایطی که بدین حال تکست احزاب و روشکسته لیبرال "نظیر جبهه ملی"، "جبهت آزادی ایران" و جمهوری خلق مسلمان" بدنی این تیمسار حیلاد شاهنشاهی میگردانند تا به کمک لیبرالیهای رسوای دیگر نظیر سایر بزرگان و صاعیان حزب جدیدی را به اعضا راجدود ۲۱ ملیون رای ای که در انتخابات آورده است ایجاد نماید، در جنبش شرایطی که این باندهای مرتجع تلاش میکنند که به وسایل

بفیه از صفحه ۹ ارسا... داشته است. ادراکی نگاشتی و دراز منطبق عینی و پیچیده ارتباط هنریا عینیت، کنگی بمانخواهند کرد. مسئله این است که اکنون بنحو جبروت آوری راه برای فعال شدن خلاقیت های هنر انقلابی، گشوده است. حقیقت این است که زندگی در حال غلبان است، طبقات گوناگون، برهنه در صحنه حاضرند، حسد و تضاد هاود و ران دگرگونی و حرکات سرسام آور همه و همه، گوناگونی و ترکیب نابی نهایت نوی از حوادث و مناسبات قابل تأمل فراهم آورده است و بسی - تردید این زمینه مناسبی برای آفرینش خلاقانه -

کوناگون جنبش بوده ها را سرکوب نماید و دستاورد - های قیام را با زین بگیرند، طبقه کارگر وظایف سنگینی بعهده دارد. در جنبش شرایطی طبقه کارگر با بنیتهای معارضات صنفی و سیاسی - انقلابی خود عمق بخشد و خود را هر چه بیشتر متشکل و متشکل سازد، و همچنین صف نیروهای انقلابی را در مقابل بیرو - های ضد انقلاب فشرده نماید. طبقه کارگر میدانکده انقلاب به پایان نرسیده زیرا تحقق انقلاب ایسین مرحله یعنی درهم شکستن سرمایه داری وابسته، سلطه و نفوذ امپریالیسم و دولت حامی آن، یعنی استقرار جمهوری دمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر، قدرتی که بر اساس اتحاد همه رزمندگان و توده های تحت ستم ما بوجود آمده و با مدارا واقعی استنلال و آزادی کامل مینماید.

بنا بر این وظایف سیاسی خطیری در مقابل کمونیستها و طبقه کارگر قرار گرفته است. برای پیروزی قطعی باید آمادگی همه جانبه ای به پیش رفت، پیروزی واقعی جنبش در کمونیسم آمادگی است.

گرامی باد ادنامی شهیدی که همه قیام ۲۲ بهمن را آفریدند

درود سر همه شهیدان راه استقلال و آزادی میبینم
مرک بر امپریالیسم آمریکا و حامیان داخلی اش
۵۸/۱۱/۱۹

اعلامیه شماره ۵۸

ترین آثار هنری است. بشرط آنکه نمایندگان هنر انقلابی با سرعتی در خور به نغی همه عوامل رگنود گذشته بپردازند. هر چه حقیقی تر زندگی بیا - میزند ثابتوانند صادقانه ترین احساسی را که از درک ملموس و مشخص زوایای آن در وجودشان شعله می کشد، زنده و پرخون تصویر کنند.

هنر انقلابی جسارت می طلبد، جسارت پشت سر نهادن اتاقیهای درست، جسارت تن دادن به گردباد زندگی و سپهره جستن از این چشمه ساز لالی که در اوج جوشش خویش است. آری تاثیرات قیام را بر هنر اینگونه باید دید و چشمه دید روستنی را که در پیش گسترده است باید هر چه آگاهانه تر بیمود



زنده باد طبقه کارگر ایران؛ کارگران صنعت نفت، در جریان اعتصابات تاریخی خود، اعتصابات که رژیم شاه را فلج کرد.

قیام ۲۲ بهمن بار دیگر ثابت کرد که در انقلاب خلقها بدون رهبری طبقه کارگر نابودی ارتجاع و محو سلطه امپریالیسم امکان پذیر نیست

هنرمقاومت هنرپرولتری



از چارچانب می آید

آیا نمی شنوید
صدای گامهای انقلاب را
هنوز می آید
هنوز می آید
از میادین پایان نیافته نبرد
با هزار زخم برپیکر
با هزار نعره در گلو ؟
آیا نمی شنوید ؟
از کارخانه های ملتهد می آید !
از کشتزارهای سوخته !
از محله های رنج می آید !
از خانه های گرسنه !
از تنگه های خونین کردستان
از سواحل توفنده انزلی
از زورآباد کرج می آید !
از آبشوران کرمانشاه
از چرنداب تبریز
از کرانه های خونین خلیج می آید
ولهجه شگفت و خشمگینش
موج می زند
موج می زند
موج می زند

آری
هنوز می آید
هنوز موج می زند
و در سترخیا با نهای خروشان برآه میافتد
هنوز می آید
هنوز موج می زند
و در بهنه های مشترک رنج متحد می شود
هنوز می آید
هنوز موج می زند
و در چارچانب سرزمین محروم می توند
آیا نمی شنوید ؟
صدای گامهای انقلاب
هنوز می آید.
(تابستان ۵۸)

آفتاب سرخ

نوشتم به شادمانی اندم شراب سرخ
کزشوق انقلاب دمه آفتاب سرخ
نازم بدان زمان کمه نیروی پیک و دایس
ملت نهد به گردن ظالم طناب سرخ
قربان آن دمی که زخون توانگساران
دریای انقلاب شود پر حساب سرخ
خان را شراب سرخ بجام و فرط جوع
ریزد ز دیده د ختره هقانی آب سرخ
در خون خائنان وطن غسل واجب است
در شرع انقلاب به نص کتاب سرخ
(ابوالقاسم لاهوتی)

یادداشت

از قیام و از هنر

ما هماموج زدن و بیهم آوردن ، ماهها میل شگرف
پیوستن ورستن ، ماهها زندگی را بگونه ای سخت
تازه تجربه کردن ، ماهها و ما هممازمیدن و آخر در
قیامی باشکوه نیروی عظیم حماسه های یاد نسا آورد
خوبش را سردادن ، آری اینهمه نمی تواند تاثیر
خوبش را بر همه شتون زندگی برجای نگذارد ؛ بر
همه شتون ، و از جمله بر زندگی معنوی طبقات !
جنش تاثیر عمیق بر عواطف و روحیات توده ها
باقی نهاد ه است .
باقی نهاد ه است . جنش چه بسیار احساسات
تازه و تجربه نشده و عواطف غنی تراز دران سیرا را م
جامعه را بر عرصه ظهور رسانده است و در این میان ،
هنر که عمدتاً بر کیفیت زندگی تاکید میورد ، نمی
تواند در اساسی ترین عنصر حیاتی خود ، تغییر
نپذیرد . هنرمقاومت ، هنرپرولتری نمی تواند
محشون از احساسات نو پرشور نگردد .
اگر هنرمقاومت ، هنرپرولتری ، تاد بیروز در زیر
لگد کوب حاکمیت بی تزلزل ضد خلق امکان خورش
خوردن با سرچشمه جوشان خلافت - زندگین را
از دست داده بود ، اگر تاد بیروز در چارمجد و بیست
شناخت عواطف و روحیات توده ها بود و یا آنکه در
صحنه زندگی قادر به تشخیص آن پنهان ترین
احساسات شگفت انبوه عظیم رنجبران ، محرومان و
زحمتکشان نبود و همچنین ، اگر تاد بیروز ، زندگی
هیچگاه تابد بین مقیاس ، اجازه نمی یافت تصاویر ،
صداهای و نقش های بدیع و شورانگیز بیافریند ، و هنر
اجازه نمی یافت این ژرفترین روحیات انسا نها را
خلافت کشف نماید و بازگوید ، امروز ما اینهمه
تغییر یافته است .
اکنون اگر هنرد رسیم خاردار روحیات پیست و
ابتدال انفراد منشانه خرد و بورژوازی خود را
زندانی نکند ، بنحو حیرت آوری امکان آفرینش
زیباترین و ارجمندترین آفریده های انسانی - هنر
توده ای - را خواهد یافت ، هنری که بتواند هرچه
عمیق تر جلوه های گوناگون زندگی را ، راستین و
شفاف منعکس سازد و بدین طریق در پیشبرد امر
تغییر جامعه ، در بدست آوردن یک شناخت
درونی از خلق ، شرکت نماید .
مسئله آن نیست که طی قیام ، هنرتاچه اندازه
تحول پذیرفته و متقابلاً چه تاثیر بر حرکات توده ها
تجربه در صفحه ۸

قیام

ضامن سازش کشیده شد
وانگشتهای خشم
ماشه منتظر قیام را فشرد
آه بنگریدشان
بنگریدشان
با هلهله های آشتی ناپذیرشان
در گردبادها
با صفوف خونین شان
آمیخته به زیباترین فریادها
بنگریدشان
این خلق صلح منست
این خلق صلح منست
که مهاجم و بی طاقت
غریو قهر خویش را
شلیک میکند
این خلق منست
که میجوشد از زرفنای روزهای مشقت
میجوشد از محله های بیاخته زحمت
میجوشد از لایه های پنهان "گودها"
میجوشد از بلای زنجیر کارخانه ها
میجوشد از عمق تشنه کشتزارها
و می جوشد
می جوشد
پیش می آید
در امتداد لحظه های قیام
تا غرق کند
در تلاطم خون خوش
یادگان نهای عاجز دشمن را
آری در انتظار پایان این سرود
برگد رگه موجهای ملتهد می ایستیم
فانوس فریاد های روشن خود را
در سواحل تیره می افروزیم
و با صدای متحد آبهای سراسری می آمیزیم
در انتظار پایان این سرود هر دم
در انتظار پایان این سرود هر دم
مانکرار میکنیم
لحظه های نبرد را
(اسفند ۵۷)

پیکار دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای قهرمان ایران تا محو سلطه
امپریالیسم و نابودی ارتجاع داخلی ادامه دارد...

حزب توده از مشروطه خواهی تا قیام خلق

سنحوی که پس از قیام خونین مردم دلیریز در بهمن ماه ۵۶ "کمیته مرکزی" اعلامیه‌ای انتشار می دهد و در آن می گوید :

"در جریان این حوادث (منظور قیام خوین و قهرآميزتريزاست)، رژيم پنا به شيوه همنگی خودبا دست زدن به يك سلسله خرابكاري بدست چاقوكلشان و اوباشان ساواك درتفلاست گنه اين برسيرت آدمكلنا نه* خودرا توجيه كند و

و برای تحقق آن در پی برپا ساختن "جبهه ضد دیکتا - توری" با شرکت "بخش دوراندیش هیئت حاکمه" وابسته به امیرالیم می باشد. طرح شعار روبرویو - نیستی جدیدیان تغییرما هیت " کمیته مرکزی "

"کمیته مرکزی حزب توده" روبریونیت همیشه علیه جنس خلق بوده است، این حکم یک اتهام نیست، بلکه یکجده جمع بندی از سیاست و عملکرد این دارو - دسته مریخ و وابسته است. عامل تعیین کننده در سیاست "حزب توده" منافع و سیاستهای امیرالیم روسیه شوروی است و در این ارتباط در نردز روبریو - نیستها، برخورد با ونگا را نه به قدرت سیاسی حاکمه منظور کسب امتیاز است، تکمیل کننده سیاست خیانت آمیز و ضد انقلابی آنان نسبت به جنس خلق و نیروهای آگاه آن بوده است و می باشد.

● سال ۱۳۵۰ - احسان طبری روبریونیت: هدف مبارزه ما "اجرای آن مقرراتی است که در قانون اساسی مانتاکون پنج شاه به اجرا و حفظ آن سوگند یاد کرده اند"!

● سال ۱۳۵۳ - حزب توده: آیا سرنگونی سلطنت استبدادی شاه حتما باید با برانداختن سلطنت بطور کلی همراه باشد؟ بنظر ما نه...!

برای ارزیابی از حرکت "کمیته مرکزی" در قیام قیام بهمن ماه توده ها، به گذشته چندان دور آن نگاه کوتاهی اندازیم. در زمان رژیم وابسته ها، روبریونیتهای "کمیته مرکزی" بر اساس مایت ساوکارا به عنوان "می گویند نداننا از طریق وجه الما لحد قراردادین جنس مردم ولجن پراکنی علیه آن به رژیم سلطنتی شاه مزدور نزدیک کردند. روبریونیتها سالیان دراز در خارج از کشور با سودگی خاطر، بدور از مبارزه حاد طبقاتی توده مردم ترهای سازش طبقاتی را مادمی کردند، آنان که از اندیشیدن به انقلاب، در هراس بودند، در برابر رژیم سرسپرده جا کمگوش کرده و دست تکدی سویی اودرا ز کرده تا اینکه نتوانند در قدرت سیاسی موجود سهم بگیرند و به همین خاطر آنان در شرایطی که مبارزه مردم در حال اوج گیری بود و انقلابیون - اگرچه جدا از توده ها - ولی دلیرانه و قهرمانانه جان می باختند، خواستار "استفسار آزادیهای دیموکراتیک" در چهار رجب رژیم موجود می شوند و از زبان احسان طبری روبریونیت اعلام می کنند: هدف عمده مبارزه ما "اجرای آن مقرراتی است که در قانون اساسی مانتاکون پنج شاه به اجرا" و حفظ آن سوگند یاد کرده اند". (دنیسا، شماره ۲، ۱۳۵۰). و در تکمیل این سیاست خائنانه روبریونیتها می گوید:

"آیا سرنگونی سلطنت استبدادی شاه حتما باید با برانداختن سلطنت بطور کلی همراه باشد؟ بنظر ما نه. حتی از بین رفتن حکومت مطلقه و رژیم ترور و اختیاق، بوجدی تواندهنوز به معنی از بین رفتن سلطنت و استقرا جمهوری که خود از خواستهای "مردم و حزب ما است". (دنیسا، مهر ۱۳۵۳)، (ناکیدازماست).

کسانی که با استفاده از حقوق حقه قانونی خود در نهایت نظم دست به نظر هرات زده بودند مورد آزار و اذیت و اهانت قرار دهند. بلکه، روبریونیتها که مخالف قهرآميز انقلابی توده ها هستند، اقدامات انقلابی آنان از قبیل به آتش کشیدن بیش از ۲۳ بانک امیرالیمستی را "خرابکاری... چاقوكلشان و اوباشان ساواك قلمداد می نماید.

خدا انقلاب برای جلوگیری ازطفان انقلابی توده ها مذبحوا نه به سیاست سرکوب متمرکز و وحشیانه روی می آورد سنحوی که در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ هزاران تن از توده های متحدیده را قتل عام می کند و با نظا هرات قهرآميز و ضد امیرالیمستی دانشجوئی در ۱۳ و ۱۴ آبان ۵۷ را بخون می کشد. در این هنگام روبریونیتها که از مبارزات قهرآميز و قیام مردم که کلیه قوانین خدا نقاب و از جمله قانون اساسی ارتجاعی شاه را آشکارا و کا ملا نقض کرده و سرنگونی رژیم وابسته را در دستور کار قرار داده، هراسانند. روبریونیتها با تمام قوا از یکسو محکوم کردن جنس قهری مردم برداخته و از سوی دیگر می کوشند تا در اسر "عقل" پیا ورنند و او را به اجرای قوانین ارتجاعی و تعدیل استبداد و اختناق وادار نمایند. صورتی که "کمیته مرکزی" نظا هرات انقلابی آبان ۵۶ را به بیلیس نیست داده و می گوید:

"ما سابقه صبح روز بعد تعدادی اردانشویان حتمالا بنا به تحریک بیلیس دانشگاه چندشبه را بکنند و به کار بردن انگاه برای تنها جمیها نه لازم را بدست دادند". (نشریه جزئی کمیته مرکزی، ۳۰ آبان ۱۳۵۶). سپس روبریونیتها توده ای زمانی که فقط کمتر از ۲ ماهه قبلا بهمن ماه ۵۷ باقی مانده است در نشریه خود می نویسند:

"در این کشور قوانینی حاسد قانون اساسی و منضم آن و یک سلسله قوانین دیگر وجود دارد که اگر با مراعات روح واقعی آنها، اجرا می شود، اگر کوچکترین احترام و رعایتی برای آنها وجود داشت واداشته باشد، سازمان خودسرو قانون شکن و جابرا نه و مدیتری ساواك حتی لحظه ای تیرسی تواندهحمل کرده "

نیست. منظور او از "سرنگونی دیکتا توری" نه برانداختن انقلاب قهرآميز توده ها، درهم شکستن ماشین دولتی بوروکراتیک - نظامی، نابودی سرما به داری وابسته و سرنگونی بورژوازی کمپرادور و سلطه امیرالیم، بلکه به "عقب راندن" استبداد ساواکی "شاه است که ما نمی در برابر نفوذ بیشتر شوروی در ایران و شرکت "کمیته مرکزی" در بارلمان و دولت با هشتا می می باشد.

علاوه بر زرات قهرمانانه مردم دلیر ایران برای سرنگونی رژیم وابسته شاه گسترده میشود و انقلاب در روند خود به شکل قیام منطقه ای ارتقا می یابد. سلسله مبارزات توده ها خدا انقلاب را به زبونی و استعمال کامل کتابچه و تمادها و سنا قفات آنرا رشمی دهد. کمیته مرکزی "تعدادی هیئت حاکمه می شتاد و جنس قهرآميز مردم را تحطه می کند



سه نسل در قیام شرکت کردند: نسل دیروز، نسل امروز و کودکان، یعنی نسل فردا...

ماسک آزادیخواهی و صد امپریالیستی لیبرالهای سلطنت طلب دیروز را از چهره آنان بشوید

"اگر مر فوائین موجودی راغات گردد، دست خودسری و استبدادنا حدودی بسته است. ولی همین قوانین موجود با گستاخی وی بیرواشی عیبی (۱) با بعال جگمه پوتان شاه و جاکراش می شود"

(دنبیا، شماره ۹، آذر ۱۳۵۷)، (تا کیدازماست).

روشن است که در حوالی قیام خونین توده ها و در متن موقعیت انقلابی جامعه، " کمیته مرکزی " خواهان اجرای قانون شاهنامه ای و محدود نمودن استبداد است و برای این عصبه می با شد که در جها رچوب رژیم حاکم باید " انتخابات عمومی انجام گیرد تا مبارزات قهرآمیز و انقلابی توده ها به جفا کشیده نشود. ایرج اسکندری رویزیونیت می نویسد:

"تا زمانیکه جبهه واحد ضد دیکتاتور برپا نشود، بر ما منتظرک تشکیل شده است. مبارزات رژیم با چاردرجها متفاوت و سیر خواهد نمود برخی از جریانهای سیاسی مبارزه علیه رژیم را صرفاً تحت شعار سرنگونی بطور مستقیم، برای نیل به هدف کافی می دانند و لذا اصولاً استفاده از شیوه دیگری را غیر از اعمال قهر مستقیم و یورش ببلایا و سطه سنگرهای قدرت رژیم، محاز نمی شمارند. در حالیکه جریان دیگر معتقد به اتخاذ روشی است که برپا به مبارزات مشخص و تحت شعارهای دموکراتیک و فدا میریالیستی نتواند با مترزلزل ساختن ارکان اساسی رژیم نیرو و احتیاجی و تصرف مواضع مهمی که رژیم برای اعمال سیاست ضد ملی و ضد دموکراتیک خود در اختیار دارد، نیل به هدف را آسان و ممکن الحمول سازد. برنامهای نیز که در مورد رژیم آینده از جانب سازمانها و جریانهای سیاسی و اجتماعی انتشار یافته بسیار متفاوت است. برخی راهنجات کشور را در تشکیل بسک حکومت اسلامی میدانند. جریان دیگر در عین اینکه اجراء موازین شریعت را لازم میدانند، معتقد به حکومتی است که طبق قانون اساسی تشکیل و با تعمیرات دیگر بر اساس سلطنت مشروطه اداره شود. جریان سیاسی سوم تعیین شکل حکومت آینده را موکول به انتخابات عام عمومی و آراء مردم و قانون اساسی جدید نموده است و سرانجام در طرح برنامهای حزب توده ایران من اعلامه ۱۳ شهریور که ابشاً برده تشکیل یک حکومت ائتلاف ملی برپا به جمهوری برای اجراء وظایف عمده دموکراتیک، ضد امپریالیستی و رفاهی پیشنهاد شده است."

(دنبیا، شماره ۲۸، آبان ۱۳۵۷)، (تا کیدازماست)

بقیه از صفحه ۵
مروری بر ...

با تعویض هویدا و روی کار آمدن آموزگار نه تنها کمتر شد، بلکه ایضا دستخیزه تری پیدا کرد. فشار مردم از پائین مرتباً افزایش می یافت و جنبش توده ای اوج بیشتری می گرفت و این حرکت توده ای خود زمینه را برای عقب نشینی بیشتر رژیم فراهم می ساخت. و جگبری جنبش دانشجویی در پائین ۵۶ خبار و توفان عظیم انقلاب در آینه های نزدیک میداد و تیا و تم و تریز آغازی خونین و پر شوکه بر آن بود. جنبش توده ای از همان ابتدا قاطعیت بسی - نظیری را در سرنگونی سلطنت درنا بودی سلطه امیر - بالیسما ز خود نشان میداد. تجریات تلخ انقلاب مشروطیت و انقلابها و قیامهای پس از آن به مردم اینرا نشان داده و قهقهانیده بود که ادامه رژیم سلطنتی دست نشانده امپریالیسم هیچ چیز جز فقر و بدبختی و تکلیت بهمراه نداد و دیگر هیچ شعاری جز سرنگونی رژیم سلطنتی و نابودی سلطه امپریالیسم نمی توانست در دستور انقلاب قرار گیرد. دیگر دوران معالجه کننده و رفرمیستی جبهه ملی و نهضت آزادی سررسیده بود و ختم و کینه توده ها نسبت به شاه، رژیم سلطنتی و عوامل و ابادی امپریالیسم جدی رسیده بود که تنها سرنگونی کامل رژیم می توانست اوج - گیری انقلاب را برای جبهه ملی فرو نشانند. توده ها خواستار مبارزه و تقهیب و جاب قاطع با عوامل ارتجاع و ارتش نادانان مسلح امپریالیستی بودند و اینرا با شعارهای انقلابی خود در دوران بعد از فرار شاه، شعارهایی چون "بعد از شاه نه پسر آمریکا ست"، "وای بروزی که مسلح شویم"، "زهران ما را مطلع کنید" ... بخوبی نشان دادند و این در حالی بود که لیسریالهای جبهه ملی و نهضت آزادی آفتابان سخاسی و بازرگان و ... به انگا - پشتپانی و حمایت و پشتیبانی مذهبی میکوشیدند با ارتجاع و امپریالیسم بیدار گره بنشینند. اما جنبش توده ها آفتابان عظیم و پیرتوان بود که دیگر جاشی برای چانه زدن ها و بندوبستهای بورژوا لیسریالهای ما بود و دنیا و دروا با مواج بر - تلاطم خود بی اعتنا به پندار با فیهای لیسریالهای ما ممتنی بر حفظ رژیم پوسیده سلطنتی نوننده و پیرتوان تا نابودی رژیم سلطنتی شاه و وارد آوردن فریادسی جدی بر بیکرا امپریالیسم و سیستم سرمایه داری وابسته همچنان به پیش می رفت.

از سیاست رویزیونستی "جریان سیاسی سوم" و با تعمیرات دیگر " کمیته مرکزی حزب توده " چه نشانی بدست می آید:

ادامه دارد ...

بقیه از صفحه ۳
یکسال پس از ...

سختی و عذاب بالاخره پادشاه داشت. چند سال بعد هم مریض شد. با همه دوا و دکتری که کردیم اثرش نداد و مرد.

س - چندتا بچه دارید ؟

ج - هفت تا، چهار تا دختر و سه تا پسر.

س - همه بزرگند ؟

ج - نه، وقتی پدرشون مرد، دختر بزرگم سی - زده سالش بود و پسر کوچکم ۶ ماهه بود. الان دختر بزرگم دوساله که ازدواج کرده و یک بچه هم دارد. پسر کوچکم هنوز مدرسه نمی رود.

س - خودتان تا حال کار کرده اید ؟

ج - او اخر عمر پدرشان در یک فروشگاه کار میکردم کار سختی بود ولی از خیلی کارها راحت تر بود. اقلامی توانستم بچه ها پمرا با خودم ببر کار بمرم. مدتی هم اخیراً در گمش ملی کار کردم.

س - از سعادت امرگ شوهرتان زندگیتان چگونه می گذرد ؟

ج - یکی از آشنایان شوهر ما می پانصد تومان پول و پانصد تومان خوار و برابری ما می آورد البته بشرط اینکه من کار نکنم. ولی مگر ما می ۱۰۰۰ تومان ۶ نفر آدم میتوانند زندگی کنند ؟

گفتش ملی از جمله کارخانه های بزرگ است که به علت نوع تولید از کارگران زنان کارگر میزبان زیادی استفاده می نماید. ما حتی ان ایروانسی معروف، بخارج کرخینه و امروز کارخانه در دست دولت قرار گرفته و به اصطلاح ملی شده است، اما آیا دیگر کارگران استماری می شود؟! و یا حتی شد استماری با شین آمده است؟ آیا صرفاً اسم "ملی" کردن می تواند درد کارگران را چاره کند ؟

س - از کارتان در گمش ملی بگوئید.

ج - حدود ۶ ماهه آنجا کار کرده ام بالاخره کار فرما مرا راهم ندانستم هر روز ما حجاب بدخانه ما می - آمد و می گفت "اگه پای دیوار خشک نشینی باید پول بدی، شما الان سه مرتبه کراهه اتان مرا نداده اید" و هیچ کاری از دست ما بر نمی آمد. بالاخره شوهرم کار یکپایانی در یک کارخانه پیدا مدتی در آنجا کار میکرد و هر شب تا صبح آنجا بود غروب که بچه ها از مدرسه بر می گشتند و میرفت کارهای میتجند و روزها را نمی دید. بعد از مدتی دوباره بیکار شد و بالاخره آخر عمرش کسار با دوشی در یک بنگا در آنجا کرد. بعد از ۵ سال اخراج کرد. کار من در قسمت آموزش بود. اوائل هر شب که بخانه می گفتم، تنوک دست - ها بهم زخم بود و از آن خون می آمد. ولی کم کم عادت کردم.

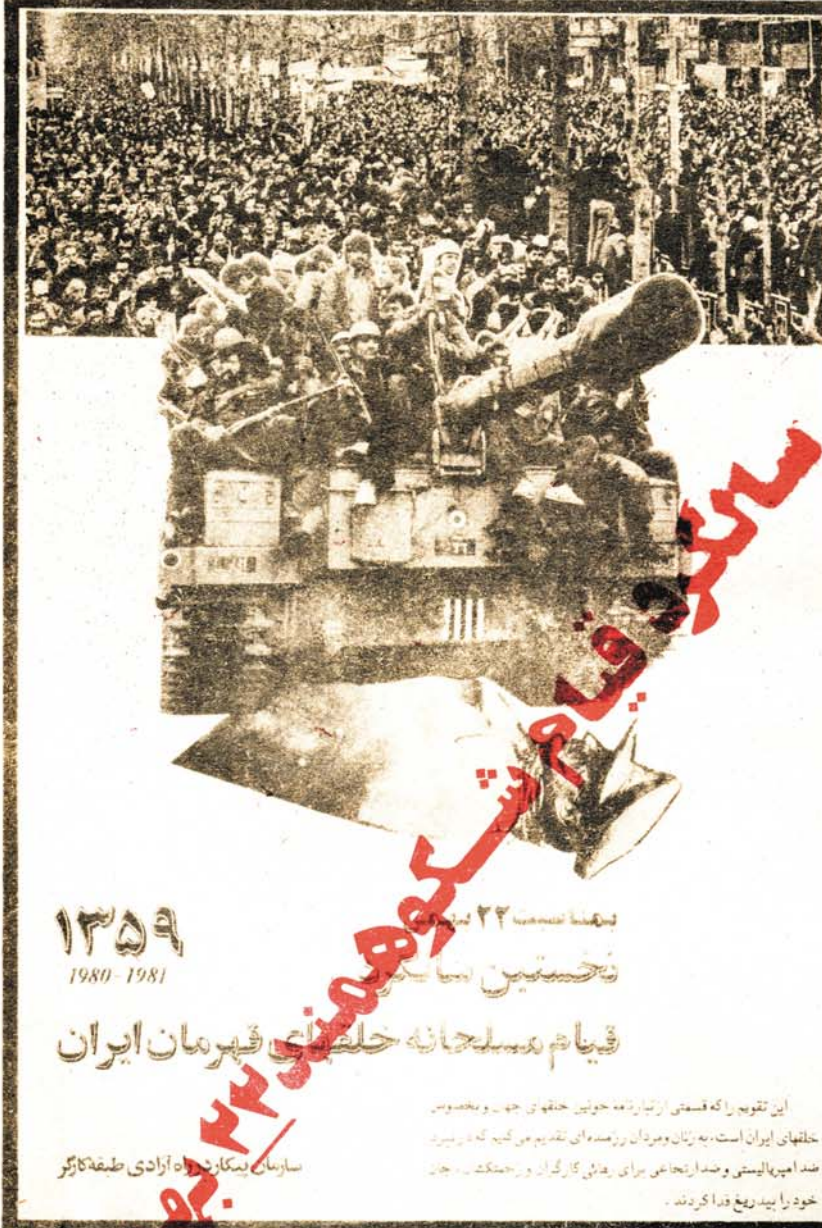
س - چرا اخراج شدید ؟

ج - بخاطر بچه ها. اول که رفتم سرکار در پسر کوچکم را پیش آنحشان میگذاشتم ولی مادام حلی ما دحرم پدرتاری میکرد، با وجود اینکه ما می ۴۰۰ تومان خرجی بچه ها را میدادم. بالاخره در زستان ان سال هردو پسر ما هم آله مرغان گرفتند. با خواهش و تمنا دوروز مرخصی گرفتیم ولی چون بچه ها بمجبور شدند مجبور شدیم چند روز دیگر هم سرکار برویم. دفعه دوم درم از رشت آمده بود. یک روز رفتم کارخانه. روز بعد که رفتم کارفرما ما بعلت غیبت زیاد مرا اخراج کرد.



منتشر شد:

● بهاسبت اولین سالگرد قیام مسلحانه خلق، تقویمی سیاسی که در آن روزهای مهم تاریخی، شهادت انقلابیون بزرگ و دیگر اتفاقات مهم سیاسی ایران و جهان مشخص شده از طرف سازمان انتشار یافته است.



۱۳۵۹
1980-1981

قیام مسلحانه خلقی قهرمان ایران

این تقویم را که قسمتی از تبارنامه جوانان خلقی جهان و بخصوص خلقهای ایران است، به زبان و مردمان رزمنده ای تقدیم می کنیم که در پیروند امپریالیسم و ضد ارتجاعی برای رهایی کارگران و روستاییان خود را پدیدریختند.

کتابهای منتشر شده:

- کتاب خلق کرد چه میخواهد و چه میگوید؟ بزبان ساده برای استفاده کارگران
- جزوه سود ویژه و شورای انقلاب
- کتاب "درباره" نیروهای سیاسی ترکیه " نیز بزودی منتشر میشود

گواهی باد سالروز تبریز قهرمانانۀ سیاهکل

در ۱۹۹۰ بهمن نه سال پیش گروهی از رزمندگان قهرمان فدائیان خلق به رهبری رفیق علی اکبر صفائی، با نگاه ژاندارمری سیاهکل را مورد حمله قرار داد و پس از خلع سلاح آن و سخنرانی بسرای مردم، به پایتخت خود بازگشتند.

عمل شهرمانانۀ این رفقا در آن سالهای مکتوب و خاموشی اگرچه بیخاط و بیژگی مئی جریکی نمیی - توانست پشتیبانی نموده هزاران همراه داشته باشد، اما با قرار دادن قهرمانانۀ انقلابی در برابر قهرمانانۀ نظامی سنت نویسی در سیاست و بر ما هم، مبارزاتی نیروهای انقلابی علمه رژیم مزدور را هتایت کردند و سر راه حلقهای پیوسته، رفیق مسمی و بارلمان تاریخی و مبارزان - ای کدلیبیرانها و حزب نموده صلح آن بودند. خط بطلان کشید.

رژیم مزدور را پس از این حمله چنان سوزش افتاد که نیروی زیادی را برای سرکوب و دستگیری این رفقای قهرمان سیخ کرد. در جریان این سرکوبی سردمان برای سرولی قهرمانان، رفقا محمد رحیم صافی و مهدی اسحاقی شهید و شهید دستگیر شدند.

سازمان رژیم مزدور را تا ۱۳م رزمنده انقلابی را که بعضی از آنها زیر شکنجه سندان رسیده بودند در ۲۵ اسفند ۲۹۹۹ نموان سرمانان ندگان اعلام کرد. این رفقای شهیدمانانندار:

علی اکبر صفائی، قهرمانی، جلیل انفرادی، عوسنگ سیری، احمد فرهودی، عباس دانش بهزادی، محمد دلی، حامد سنده خدا لنگرودی، از گروه جنگل، و عشور حسن سور، هادی قاطلی، شجاع الله مریندی، اسحاق علی مسمی عراقی، ناصر سیف دلیل قهرمانی و اسکندر رحیمی، سادمان گواهی و آزمانان بیروزمان

حمله به اجتماعات فدائیان خلق را محکوم میکنیم

در جریان برکزاری دهم سالگرد تبریز قهرمانانۀ سیاهکل در تهران و ساری و کتند، سه اجتماعات و راهپیمائی هائی که از جانب سازمان جریکهای فدائیان خلق ترتیب داده شده بود، حمله شده است. قتل از این سیرمانانند حملات دسته های مزدور و نیروهای مترقی و انقلابی که از جانب ساد - های مرتجع حاکم و احزاب و گروههای ساخته شده سازمان داده میشوند بوده ایم. این سارین دسته های مزدور که نام "حزب الله" و "حزب و شمنسیر" و غیره عمل میکنند با عت گشتا روز جمعی شدن عده ای سر کشته اند. بنظر ما این گونه حملات ارتجاعی و ضد - باسی آن نتیجه، شکست های بی دربی ساند هسای ارتجاعی و رزمندسروهای انقلابی می ساند. ما نفس محکوم نمودن این گونه اعمال ارتجاعی نه کلیه نیروهای ترقی خواه و انقلابی هندارمی دهم که بدلیل رشد و نمو نیروهای انقلابی و سرخوردگی سیرمانان های ارتجاعی با سستی هساری خود را برای مقابله و جلوگیری از این گونه اعمال بالا بریم.

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر
۵۸/۱۱/۲۰

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران